

استراتژی امنیتی روسیه و اسرائیل

در خاورمیانه



www.ketab.ir

محمد بوالحسنی



سرشناسه	: بوالحسنی، محمد، ۱۳۶۱
عنوان و نام پدیدآور	: استراتژی امنیتی روسیه و اسرائیل در خاورمیانه / محمد بوالحسنی
مشخصات نشر	: انتشارات طاهری، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۸
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۴۶-۷۲-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: روسیه - روابط خارجی - خاورمیانه - امنیت ملی - اسرائیل
رده بندی کنگره	: DK۶۸/۵
رده بندی دیویی	: ۳۲۷/۴۷۰۵۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۶۷۳۶۹۰



نام اثر	: استراتژی امنیتی روسیه و اسرائیل در خاورمیانه
مؤلف	: محمد بوالحسنی
ناشر	: انتشارات طاهری
گرافیس	: فرشته ایزدی
قطع	: رقعی
چاپ	: پیشگام
نوبت چاپ	: اول / ۱۴۰۰
شمارگان	: ۱۰۰ نسخه
قیمت	: ۴۰۰۰۰ تومان
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۴۶-۷۲-۵

فصل اول: مبانی نظری

۲۰	۱-۱ پیشینه نظری مکتب کپنهاگ
۲۳	۲-۱ روش شناسی مکتب کپنهاگ
۲۵	۳-۱ امنیت ملی و منطقه‌ای در مکتب کپنهاگ
۳۴	الف) معمای دفاع-امنیت
۳۴	ب) معمای قدرت-امنیت
۳۵	۴-۱ نظریه امنیت منطقه‌ای بوزان
۳۵	۱-۴-۱ مجموعه امنیت
۳۸	۲-۴-۱ وابستگی متقابل امنیتی
۳۹	۳-۴-۱ امنیتی سازی و غیر امنیتی سازی
۴۶	۴-۴-۱ معمای امنیت
۴۶	۱-۴-۴-۱ معمای دفاع-امنیت
۴۷	۲-۴-۴-۱ معمای قدرت-امنیت
۴۹	۵-۱ مکتب کپنهاگ و مسائل امنیتی منطقه خاورمیانه
۵۸	۶-۱ منتقدان نظریه مکتب کپنهاگ

فصل دوم: استراتژی امنیتی روسیه در منطقه خاورمیانه

۶۷	۱-۲ استراتژی امنیتی روسیه
----	---------------------------

۸۷	۲-۲ مبانی امنیتی روسیه در منطقه خاورمیانه
۹۴	۳-۲ روسیه و رادیکالیسم اسلامی
۹۶	۴-۲ روسیه و تحولات سوریه و ایران
۹۷	۲-۴-۱ سوریه
۱۰۸	۲-۴-۲ جمهوری اسلامی ایران

فصل سوم: استراتژی امنیتی اسرائیل در خاورمیانه

۱۳۴	۱-۳ جایگاه اسرائیل در خاورمیانه
۱۳۴	۲-۳ مبانی استراتژی امنیتی اسرائیل
۱۳۴	۱-۲-۳ امنیتی شدن جامعه
۱۳۹	۲-۲-۳ شرایط جنگ
۱۴۰	۳-۲-۳ تهدید پیرامونی
۱۴۱	۳-۳ گفتمان امنیت ملی اسرائیل
۱۴۵	۴-۳ دکترین نظامی اسرائیل
۱۵۰	۵-۳ استراتژی امنیتی اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران
۱۵۵	۶-۳ استراتژی امنیتی اسرائیل و سوریه

فصل چهارم: فرجام

۱۸۴	فهرست منابع و مآخذ
-----	--------------------



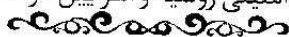
مقدمه

می‌توان گفت استراتژی، هنر و علم استفاده و توسعه نیروهای سیاسی، اقتصادی، روانی و نظامی در هنگام جنگ و صلح است تا به منظور افزایش احتمال پیروزی و کاهش احتمال شکست، از سیاست‌های اتخاذ شده حداکثر حمایت صورت پذیرد. استراتژی خواه «فن مدیریت و هدایت کلیه منابع جامعه در جهت تحقق و نیل به هدف مشخص» و خواه «برنامه‌ای که نظام با استفاده از همه امکانات خود می‌خواهد به اهداف حاکمی برسد» و یا هر تعریف دیگری داشته باشد، حاکمی از برنامه و طرحی مشخص برای رسیدن به هدفی مشخص است. به عبارت دیگر استراتژی از سه عنصر اهداف، راه‌ها، و ابزارها تشکیل می‌شود. اهمیت وجود استراتژی از این حقیقت ناشی می‌شود که ابزارهای مختلف سیاسی، اقتصادی، و نظامی ملت با وجود کاربردهای مختلف باید به طور کلی در راستای یک هدف مشخص و مشترک سیاسی مورد استفاده قرار گیرند. وظیفه استراتژی، پیدا کردن بهترین راهی است که این همه را در یک نقطه به هم برساند. به طور طبیعی یک ملت منابع خود را متناسب با استراتژی‌های چندگانه طراحی می‌کند. اما شاید اولین چالش بسیار بزرگ در مسیر تدوین استراتژی، موفقیت در چگونگی تعریف سطح استراتژی باشد. اگر تعریف ما در سطح بالایی تنظیم شود، منابع ما قادر به پاسخگویی نخواهند بود، و اگر تعریف در سطح پایینی تنظیم شود، شهروندان



ممکن است اعتماد خود را به توانایی حکومت در حمایت از ملت از دست دهند. لذا باید برآیندهای فوری را ارزیابی نمود. این مرحله مستلزم تعریف اولویت‌ها با توجه به تخصیص منابع و نیز تعریف مسئولیت‌ها با توجه به ارزیابی عملکردها است. استراتژی باید با برآیندهای قابل‌سنجش همراه باشد و یک برنامه بودجه‌ای جامع و منابعی دارای مسئولیت از آن حمایت نماید. این مراحل، پایه‌های یک استراتژی خوب هستند.

در رأس همه استراتژی‌ها، استراتژی امنیت ملی قرار دارد. در تدوین استراتژی امنیت ملی، اهداف اصلی در تدوین استراتژی باید معرفی شوند و برای دستیابی به این اهداف باید اولویت‌ها و سیاست‌ها معین شوند. می‌توان گفت آینده‌های بسیاری وجود دارند؛ اما بسیاری از صاحب‌نظران در مطالعات آینده‌نگری بر این باورند که سیاست می‌تواند بر آینده تأثیر بگذارد. استدلال آن‌ها این است که فعال بودن، یا بی‌عملی و سستی افراد بر تحولات آینده تأثیر بسزایی خواهد گذارد. از آنجایی که ما دارای حق انتخاب‌های گوناگون هستیم، آینده‌های محتمل بسیاری هم وجود دارند که وقوع آن‌ها بستگی به آنچه دیگران انجام می‌دهند خواهد داشت. این نیز صحیح است که پیش‌بینی‌ها ناقص هستند؛ بسیار دشوار است که ما آن‌چه را که هنوز اتفاق نیفتاده را در پیش‌بینی برای آینده در نظر بگیریم. به دلیل مشکلات ناشی از نادرست بودن و ناقص بودن، تمام برنامه‌هایی که بر پایه پیش‌بینی استوارند در معرض خطر اشتباه بودن قرار دارند. آن دسته از پیش‌بینی‌ها و برآوردهای مربوط به آینده که صرفاً مبتنی بر روندهای امروزی هستند، ممکن است موجب گمراهی شوند. اما برنامه ریزی استراتژیک برای آینده چنان‌چه پویا باشد، با کسب اطلاعات جدید، در پیش‌بینی‌ها تجدید نظر صورت می‌گیرد و برنامه‌هایی را که بر اساس آن پیش‌بینی‌ها تنظیم شده بود نیز مورد بازنگری قرار



می‌گیرند و در نتیجه همواره آمادگی برای مقابله با مخاطرات آتی ایجاد می‌گردد. ما هیچ‌گاه در یک جهان عاری از مخاطره نخواهیم زیست، و یک استراتژی ملی جامع امنیتی نیز این جهان را تغییر نمی‌دهد. هدف ما آمادگی برای به شکست انجامیدن تهدیدات احتمالی است. طراحی یک استراتژی مشکل است و اجرای آن مشکل‌تر خواهد بود، اما به هر حال ما باید آن را انجام دهیم. آینده رویدادپذیر است. روند امور و اوضاع کشور، منطقه و جهان در سال‌های آتی را مجموعه‌ای از تصمیمات خرد و کلان تعیین می‌کند که بیشتر آن‌ها هنوز اتخاذ نشده‌اند. اما به هر حال، نگرستن به آینده، هر اندازه هم که دشوار باشد، ضروری است، چرا که خطرات آن قدر زیادند که حتی تلاش و کوششی اندک (برای آینده‌نگری) بهتر از عدم تلاش و تکاپو است. در این شرایط به نظر می‌رسد که فعالیت موفق در چهارچوب امنیتی جدید مستلزم شناخت آشکار روابط تعارض‌آمیز و اثرات غیرقابل اجتناب انتخاب‌ها در این محیط پیچیده و سیال است. رهبران بایستی از تفکر ثابت، خطی و یک‌بعدی امنیتی با این تصور غلط که چنین رفتاری در سایر امور مرتبط با دفاع اثر مهمی ندارد، احتراز کنند و مردم در ارزیابی این سیاست‌ها بایستی تضاد در هدف‌ها و وسیله‌ها را بپذیرند و دنبال استراتژی‌های امنیتی سیاه و سفید و نتایج کاملاً آشکار نباشند. به علاوه ارزیابی دقیق تضادها و روابط تعارض‌آمیز برای توجه به تغییر در سیاست امنیت ملی مهم است. بدین منظور هر کشور در جهت آمادگی برای رفع مخاطرات باید با شناخت لایه‌های گوناگون امنیتی و استفاده از عوامل تعیین‌کننده استراتژی امنیت ملی برای آینده خود برنامه‌ریزی نماید و در مرحله بعد از همه ظرفیت‌های خود برای بازنگری و اجرای مؤثر آن بهره‌گیرد. همان‌گونه که میدانیم در نظام بین‌الملل، کشورها از لحاظ امکانات و توانایی‌های مادی و معنوی در یک سطح قرار ندارند، منافع دولت‌ها گاهی با یکدیگر متفاوت است و این امر به بروز درگیری بین



آن‌ها می‌انجامد. بر این اساس، برنامه‌ریزی و تلاش مستمر برای تأمین امنیت ملی و یا گسترش دامنه آن یکی از مهم‌ترین اولویت‌های کشورها است. بدین خاطر است که اکثر کشورها به تدوین استراتژی امنیت ملی می‌پردازند.

با پایان گرفتن جنگ سی‌ساله مذهبی و انعقاد قرارداد وستفاليا در ۱۶۴۸ م، پایه سیستم دولت-ملت‌ها و اصل استقلال و تساوی بین‌المللی آن‌ها در جهان به وجود آمد. با ظهور دولتهای مستقل ملی هر دولتی اهداف و منافع خود را در چارچوب مرزهایش ترسیم کرد و در پی تحقق آن برآمد. تأمین منافع و اهداف تا جایی که محدود به درون مرزهای ملی بود، مشکلی برای دولت به وجود نمی‌آورد، اما همین‌که به خارج از مرزها گسترش می‌یافت، با منافع واحدهای دیگر تعارض پیدا میکرد، نتیجه این تعارض رقابت دولتها در ابعاد فرا منطقه‌ای بود؛ زیرا در عرصه این رقابت مرجع مافوقی وجود نداشت که داور نهایی باشد، هرج و مرجی در جامعه متشکل از دولتهای مستقل به وجود می‌آمد که تأمین منافع جز از راه کسب قدرت برتر از طریق نفوذ بر مناطق استراتژیک همچون خاورمیانه امکانپذیر نمیشود. از این‌روست که مفهوم امنیت ملی به معنای توانایی دولت‌ها در تقابل سیاسی در بعد بین‌المللی ظهور میکند و این تفکر که برای حفظ امنیت خود باید پا به فرا منطقه‌ها گذاشت، رواج می‌یابد.

استراتژی امنیت ملی، هنر و علم استفاده و توسعه نیروهای سیاسی، اقتصادی، روانی و نظامی در هنگام جنگ و صلح است تا به منظور افزایش احتمال پیروزی و کاهش احتمال شکست، از سیاست‌های اتخاذشده حداکثر حمایت صورت پذیرد. استراتژی خواه «فن مدیریت و هدایت کلیه منابع جامعه در جهت تحقق و نیل به هدف مشخص»، و خواه «برنامه‌ای که نظام با استفاده از همه امکانات خود می‌خواهد به اهداف حیاتی برسد» و یا هر تعریف دیگری داشته باشد، حاکی